

یادداشت

قدرت چهارم

به برخی نکات درباره تجارت خارجی ایران توجه کنید: صادرات غیرنفتی ۴۵ میلیارد دلاری و دریافت ارز توسط تراستی‌ها، واردات ۱۵ میلیارد دلار نهاده‌های کشاورزی، واردات قاجاق ۲۰ میلیارد دلار کالا از همه رقم، سالانه خروج ۱۵ میلیارد دلار سرمایه از کشور، خروج چهار میلیارد دلار ارز توسط مهاجران، واردات دو میلیارد دلار خودروی ساخته‌شده، نبود رابطه بانکی بین‌المللی، واردات پنج میلیارد دلار طلا و پخش در جامعه و تحریم‌های وسیع غرب، درباره تجارت داخلی هم کم‌وبیش مشکلاتی ناشی از همین تجارت خارجی و عدم رعایت قانون و بی‌تفاوتی و بی‌توانی نهادهای حکومتی حاکم است.

۴. **ساحت زیرساخت‌های کشور:** این درست است که برخی فعالیت‌های زیرساختی در کشور انجام شده و البته در قسمتی از آن ملاحظات ضروری صورت گرفته، ولی باید قبول کنیم هم توسعه لازم صورت نگرفته و هم آنچه داشته‌ایم بدون بازسازی دچار استهلاک شده است. خطوط راه‌آهن شاهد خوبی برای این امر است. به نکات زیر توجه کنید: استهلاک راه‌ها، بنادر و خطوط راه‌آهن، استهلاک ناوگان ترابری (کامیون، لکوموتیو، هواپیما)، استهلاک نیروگاه‌ها و واحدهای صنعتی و مصرف انرژی بالا برای برپایستادن واحدها، عدم انباشت سرمایه برای سرمایه‌گذاری، عدم سرمایه‌گذاری خارجی برای توسازی و توسعه.

۵. **ساحت تولید ملی:** به‌طور کلی تولید ملی ما از استهلاک زیرساخت‌ها، مصرف بالای انرژی، عقب‌ماندگی فناوری، تولید محصولات کم‌کیفیت و عدم توان رقابت بین‌المللی رنج می‌برد. نکات درخور توجه را می‌شماریم: عقب‌ماندگی کشاورزی از لحاظ تکنولوژیکی و کشاورزی دقیق و برنامه‌ریزی محصول، به خطر افتادن و نابودی کشاورزی وابسته به چاه‌های آب و نشست زمین، استهلاک منابع موجود و عقب‌ماندگی تکنولوژیک آنان، پرهزینه‌بودن تولید در بخش‌های مختلف، مصرف بیش از اندازه آب، برق و گاز در صنایع، نابسامانی در بازاریابی صادرات.

۶. **ساحت مسائل اجتماعی:** این بخش بسیار وسیع بوده و رسیدگی به آن به دلیل عینی و ملموس نبودن مسائل و نرَم‌افزایی بودن، برخلاف بخش‌های سخت‌افزاری بسیار پیچیده است. اما مسائل آن و برآیند آنها، خود را به‌خوبی در جامعه مطرح می‌کند؛ مانند پاینده‌نبودن به قانون که میلیون‌ها پرونده اختلاف در دستگاه قضائی شاهد و مبین آن است، نبود نظام تربیتی در مدارس، نزول سطح دانش‌آموختگی، افزایش تصاد طبقاتی، نزول مادی و اخلاقی طبقه متوسط، تداوم سبک زندگی به تقلید سبک آمریکایی و تمایل به ظاهر به اشرافیت و بسیاری مسائل دیگر قابل ذکر. با وجود کیفیت ذکرشده این ساحت‌های کشور، آیا قدرت چهارم جهان هستیم؟ البته می‌توانیم باشیم ولی نه با حرف دیگران، بلکه با اصلاح ساحت‌هایی که ذکر آن رفت و تقویت واقعی دفاع اطلاعاتی و نظامی کشور تا دشمنان نتوانند از مزه‌های زمینی، هوایی یا دریایی بهره‌حی به کشورمان دست‌اندازی کنند. آنچه گفته شد، در همه حالات صدق می‌کند؛ چه در کشمکش‌های نظامی مقطعی باشیم و چه روی کاغذ نفاقه‌نامه اگر نوشته و امضا شود. ده‌ها سال شکم‌شما ما در آمریکا و اسرائیل بیشتر نرم‌افزاری و کلامی بود، اما اینک با امتناع آمریکا توسط اسرائیل برای حمله به ایران، طرفین وارد کرد عملیات نظامی شده‌اند و بعد است از آن به‌سادگی دور شوند. چاره در آمادگی و اقدامات همه‌جانبه در همه ساحت‌هاست.

مرجعیت رسانه‌ای و عصر بی اعتمادی؛ افکار عمومی و معمای روایت اول

بسیاری از تحلیلگران معتقدند در مقاطعی، فضای رسانه‌ای پیرامون این تحولات توانست بر روند قیمت جهانی نفت تأثیر بگذارد. این نمونه، بیش از آنکه یک بحث سیاسی باشد، نشان‌دهنده قدرت روایت در شکل‌دهی به رفتارهای اقتصادی است. هابرماس در نظریه «حوزه عمومی» تأکید می‌کند رسانه‌ها بخشی از فضای گفت‌وگوی اجتماعی هستند. هنگامی که این فضا محدود شود یا نتوع دیدگاه‌ها در آن بازتاب پیدا نکند، گفت‌وگو از میان نمی‌رود، فقط به مکان‌های دیگری منتقل می‌شود. اینجاست که مفهوم «ماریپج سکوت» اهمیت پیدا می‌کند. پرسش‌ها و نگرانی‌های جامعه حذف نمی‌شوند، بلکه به شبکه‌های اجتماعی، محافل غیررسمی و رسانه‌های جایگزین منتقل می‌شوند. در چنین شرایطی، نظریه «شکاف دانش» نیز معنا پیدا می‌کند. هرچه دسترسی به اطلاعات معتبر دشوارتر شود، نابرابری دانشی در جامعه افزایش می‌یابد. گروهی به منابع متنوع دسترسی دارند و گروهی دیگر در معرض شایعات و روایت‌های ناقص قرار می‌گیرند. نتیجه این است که جامعه حتی درباره واقعیت‌های مشترک نیز به برداشت‌های متفاوتی می‌رسد. در سطحی عمیق‌تر، می‌توان از مفهوم «بی‌عدالتی معرفتی» سخن گفت؛ وضعیتی که در آن شهروند احساس می‌کند حق دانستن او به رسمیت شناخته نشده است. مخاطب امروز صرفاً دریافت‌کننده پیام نیست، او مقایسه می‌کند، حافظه دارد، روایت‌ها را کنار هم می‌گذارد و درباره آنها قضاوت می‌کند. اعتماد رسانه‌های زمانی شکل می‌گیرد که شهروند احساس کند با او صادقانه سخن گفته می‌شود. بازسازی مرجعیت رسانه‌ای با توصیه و شعار ممکن نیست؛ این مرجعیت فقط از مسیر اعتماد به دست می‌آید؛ اعتمادی که بر پایه شفافیت، سرعت، پاسخ‌گویی و احترام به حق دانستن شکل می‌گیرد. به رسمیت شناختن گردش آزاد اطلاعات، کاهش محدودیت‌های غیرضروری رسانه‌ای، تقویت حق پرسشگری، افزایش شفافیت در اطلاع‌رسانی و بازتاب‌دادن دیدگاه‌های متنوع جامعه در رسانه‌های جمعی، به‌ویژه صداوسیما، بخشی از الزامات این مسیر است. در نهایت، مسئله مرجعیت رسانه‌ای را می‌توان در یک پرسش خلاصه کرد: هنگامی که یک رویداد مهم رخ می‌هد، مردم برای فهم آن نخست به کجا مراجعه می‌کنند؟ پاسخ به همین پرسش، وضعیت واقعی مرجعیت رسانه‌ای را نشان می‌دهد. اگر روایت نخست در جایی خارج از میدان رسانه‌ای داخلی شکل بگیرد، بخشی از قدرت تأثیرگذاری بر افکار عمومی نیز به همان‌جا منتقل خواهد شد. در عصر رسانه‌های بی‌مرز، مرجعیت نه با انحصار، بلکه با اعتماد به دست می‌آید؛ و اعتماد محصول شفافیت، تکرر و احترام به حق دانستن است.

حیف از ارزش‌های رهاشده در شهرهای کوچک و متوسط کشورمان

ای‌کاش در گذاشتن ناودان‌های پلاستیکی سیاه روکار برای آن زیباترین کلیسای سنگی و آجری و ثبت ملی شده سورب سرکیس -پناهگاه تمام اقوام ارمنی و ترک و لهستانی که در روزگاران جنگ و کشتار از دست عثمانی به ایران می‌گریختند- نیز کمی احتیاط

می‌کردند تا این‌قدر بدبخت به نظر نمی‌شد. شنیدم بعد از پناهندن دسته‌جمعی آنان به این کلیسا، اغنای‌خوی این پناه‌گیران را در خانه خود جا می‌دادند تا از گزند حاکمان خودی و ناخودی در امان بمانند. آری، هر شهر کوچک ما با خود تاریخی اجتماعی را حمل می‌کند که بناهای تاریخی تنها یادگاری از آن خاطرات جمعی هستند. در ضمن خوی با طبیعت سرسبز و روستاهای شگوفا در اطرافش، معدن میوه و گل سرخ برای درست‌کردن مربای گل و گلاب‌گیری است که ما شناسی شرکت در مراسم آن را در پارک بانوان داشتیم. همه شهر از زن، مرد، بچه و کهنسال در پارک بانوان با هم راحت بودند و تخمه آفتابگردان می‌شکستند که محصول مهم خوی است. از شهر زیبای ارومیه و رودخانه پرآبش که پیاده‌راه‌های سنگفرش‌شده و بیست‌دوچرخه دارد و محل گردش تمام شهر می‌تواند باشد، نوشتم؛ زیرا شهر خود مرکز استان است و مسجد جامع سلجوقی قدری که البته با احتیاط مرمت نشده است. گاه آدم آرزو می‌کند به‌جای مرمت‌های زحمت و آزاردهنده، کاش این بناها را کمتر مرمت می‌کردند. تنها نکته مهم برای ختم این شرح سفر آنکه ما طبق قانون مصوب میراثی در برنامه مقرر داریم که برای ۱۸۹ شهر (بعدا ۱۹۲ شهر) کشورمان طرح‌های حفاظت از بافت قدیم تهیه کنیم. اگر این کار به‌تدریج انجام شود، بی‌شک شهرهای قدیمی زیبایمان هم بهتر مقصد گردشگری شده و بر خود خواهند بالید.

مقاله
ادامه از
صفحه اول

کمپا نعمت‌اله: «در دو دهه گذشته معماری تجارت جهانی بر یک منطق ساده استوار بود: کالا از مسیرهایی عبور کند که کمترین هزینه و بیشترین سرعت را داشته باشند. به همین دلیل مسیرهای دریایی بزرگ مانند کانال سوئز و تنگه هرمز یا شبکه ریلی شمالی از طریق روسیه، ستون فقرات جابه‌جایی کالا میان آسیا و اروپا محسوب می‌شدند اما تحولات ژئوپلیتیکی سال‌های اخیر نشان داده‌اند این فرض دیگر چندان پایدار نیست. جنگ‌ها، تحریم‌ها و ناامنی‌های منطقه‌ای باعث شده‌اند مفهوم «امنیت مسیر» به اندازه هزینه و سرعت اهمیت پیدا کند. در چنین شرایطی، کریدور میانی یا مسیر ترانس‌خزر به‌تدریج از یک گزینه حاشیه‌ای به یکی از مهم‌ترین بالقوه تجارت اوراسیا تبدیل شده است.» این بخشی از گزارش اندیشکده زایوه است؛ آن هم در بحبوحه جنگ در خلیج فارس و انسداد تنگه هرمز که توانست هر بشکه نفت جهان را به ۱۱۷ دلار برساند. قیمت نفت پیش از این جنگ مدام در حال سقوط بود و به میانه کانال ۶۰ دلار رسید اما انسداد تنگه هرمز و اختلال در تردد نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل گاز مایع سبب شد که بازار نفت جهان با کسری حدود هشت میلیون بشکه نفت در روز مواجه شود. این جنگ سبب شد بار دیگر مسیرهای جایگزین ترانزیت انرژی و کالا مورد توجه قرار بگیرند؛ مسیرهایی که پیش از این با معیارهای اقتصادی مانند کوتاه‌ی دسترسی و هزینه حمل‌ونقل و حتی ظرفیت تولید کالا سنجیده شده و برخی خارج از اولویت شناخته شدند، اما حالا امنیت اولویت اول کریدورهای ترانزیت کالا و انرژی شده‌اند. مسئله‌ای که برای سرمایه‌گذاران هم تبدیل به یک اولویت جدی شده است.

تغییر مسیر سرمایه‌گذاری نفت و گاز

در این زمینه آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد درگیری‌های خاورمیانه با تغییر مسیر جریان مالی، سرمایه‌گذاری در حوزه گاز طبیعی را در سال ۲۰۲۶ به بالاترین حد در ۱۰ سال گذشته می‌رساند. به گزارش روتترز، آژانس بین‌المللی انرژی در گزارشی اعلام کرد سرمایه‌گذاری‌های جهانی در پروژه‌های گاز طبیعی در سال جاری میلادی با بیش از ۱۰ درصد افزایش به ۳۳۰ میلیارد دلار می‌رسد که بالاترین حد در ۱۰ سال گذشته است. همچنین فاتح بیرویل، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی، در بیانیه‌ای اعلام کرد اکنون کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده برای تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری و منابع انرژی، تلاش خود را افزایش داده‌اند. همچنین در گزارشی دیگر تحلیلگران تأکید کرده‌اند صادرات نفت از تنگه هرمز شاید هرگز به سطح پیش از جنگ بازنگردد. هشدرای که می‌تواند به سرمایه‌گذاران و مشتریان بازار انرژی علامت بدهد که مسیرهای تجاری نفت و گاز را تغییر دهند. در همین زمینه تسنیم به نقل از شبکه سی‌ان‌بی‌سی نوشته بازار جهانی نفت ممکن است پس از جنگ با ایران وارد مرحله جدیدی شود که در آن صادرات نفت از تنگه هرمز دیگر به سطوح قبل از جنگ بازنگردد. براساس این گزارش، مالکان کشتی‌ها اکنون باید این احتمال را در نظر بگیرند که درگیری‌ها در خلیج فارس می‌تواند بار دیگر به‌طور ناگهانی شعله‌ور و منجر به نبود تمایل شرکت‌های کشتیرانی برای عبور از تنگه هرمز شود. به نوشته سی‌ان‌بی‌سی، کشتی‌های تجاری غربی احتمالاً در صورتی که تنگه هرمز همچنان تحت کنترل عملی ایران باقی بماند، با احتیاط بیشتری از این مسیر عبور خواهند کرد؛ به‌ویژه اگر برای عبور از تنگه ناچار به هماهنگی با ایران باشند که می‌تواند آنها را در معرض خطر نقض تحریم‌های آمریکا قرار دهد. این گزارش هشدار می‌دهد پیامدهای چنین سناریویی به‌سختی قابل پیش‌بینی است؛ چراکه تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان به شمار می‌رود. این در حالی است که تا پیش از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران در تاریخ ۲۸ فوریه، آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز هیچ‌گاه به‌طور جدی با چالش مواجه نشده بود، اما پس از آن ایران عملاً این آبراه را مسدود کرد. با این شرایط کریدورهای جایگزین ترانزیت انرژی و کالا مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته است؛ کریدور میانی یکی از مهم‌ترین این کریدورهاست.

چرا کریدور میانی مهم شد؟

کریدور میانی شبکه‌ای چندوجهی از مسیرهای ریلی، جاده‌ای و دریایی است که از غرب چین آغاز می‌شود، از آسیای مرکزی عبور می‌کند، از طریق دریای خزر به قفقاز جنوبی می‌رسد و در نهایت از خاک ترکیه به بازارهای اروپایی متصل می‌شود. اندیشکده زایوه در گزارش خود تأکید می‌کند تا چند سال پیش این مسیر بیشتر به عنوان یک گزینه مکمل در کنار مسیرهای اصلی شناخته می‌شد. با این حال،

جنگ در خلیج فارس امنیت را به گزینه کلیدی دلان‌های حمل‌ونقل نفت و گاز تبدیل کرد

مسیر امن همسایگان خزر



تحولات ژئوپلیتیکی به‌ویژه پس از جنگ اوکراین، بحران‌های امنیتی در دریای سرخ و بی‌ثباتی فرآینده در خاورمیانه، باعث شده است اهمیت این کریدور به شکل چشمگیری افزایش یابد.

بر اساس این گزارش، نخستین عامل این تغییر، تضعیف مسیر شمالی است. پیش از سال ۲۰۲۲، بخش عمده‌ای از تجارت ریلی میان چین و اروپا از طریق شبکه گسترده راه‌آهن روسیه انجام می‌شد. این مسیر به دلیل زیرساخت یکپارچه، سرعت بالا و هزینه نسبتاً پایین، گزینه‌ای جذاب برای شرکت‌های لجستیکی بود. اما جنگ اوکراین و مجموعه تحریم‌های گسترده غرب علیه مسکو، فضای حقوقی و مالی این مسیر را به‌شدت پیچیده کرد. بسیاری از شرکت‌های حمل‌ونقل و بیمه‌گران بین‌المللی از فعالیت در این مسیر عقب‌نشینی کردند و در نتیجه بخشی از جریان تجارت به دنبال گزینه‌های جایگزین رفت.

دومین عامل، آسیب‌پذیری فرآینده مسیرهای دریایی است. طی سال‌های اخیر، ناامنی در برخی لنگه‌های حیاتی مانند دریای سرخ و خلیج فارس بار دیگر نشان داد اقتصاد جهانی تا چه اندازه به چند نقطه حساس وابسته است. اختلال در این مسیرها نه‌تنها هزینه حمل‌ونقل را افزایش می‌دهد، بلکه زمان تحویل کالا را نیز به طور قابل توجهی طولانی می‌کند. برای بسیاری از صنایع که به زنجیره‌های تأمین دقیق و زمان‌بندی‌شده وابسته‌اند، چنین تأخیرهایی می‌تواند پیامدهای اقتصادی جدی داشته باشد. همین مسئله شرکت‌ها و دولت‌ها را به سمت تنوع‌بخشی مسیرهای ترانزیتی سوق داده است. در این میان، چین بیش از هر کشور دیگری به دنبال ایجاد مسیرهای جایگزین بوده است. اقتصاد چین که بخش بزرگی از تولید صنعتی جهان را در اختیار دارد، به‌شدت به جریان پایدار صادرات واردات وابسته است. ابتکار «کمربند و جاده» نیز دقیقاً با هدف ایجاد شبکه‌ای از مسیرهای زمینی و دریایی برای اتصال چین به بازارهای جهانی طراحی شد. در چارچوب همین راهبرد، کریدور میانی به‌تدریج از یک پروژه فرعی به یک اولویت ژئواکونومیک تبدیل شده است.

در این میان نقش ترکیه در این معادله بسیار کلیدی است. موقعیت جغرافیایی این کشور، آن را به پلی طبیعی میان آسیا و اروپا تبدیل کرده است. دولت ترکیه در سال‌های اخیر تلاش کرده با توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، از جمله شبکه‌های ریلی، بنادر مدرن و پروژه‌های بزرگ عمرانی، جایگاه خود را به عنوان گره مرکزی این کریدور تثبیت کند. پروژه‌هایی مانند اتصال ریلی باکو-تفلیس-قاز-خزر، بنادر در دریای مرمره و ساخت تونل‌های زیرزمینی برای عبور قطرها از زیر تنگه بسفر، همگی در راستای همین هدف طراحی شده‌اند. برای آنکارا، کریدور میانی فقط یک پروژه حمل‌ونقل نیست، بلکه ابزاری برای افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی و اقتصادی در اوراسیا به شمار می‌رود. ترکیه تلاش می‌کند با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، به‌ویژه از سوی چین و اتحادیه اروپا، خود را به مرکز لجستیکی منطقه تبدیل کند. چنین موقعیتی به این کشور اجازه می‌دهد هم‌زمان با شرق و غرب همکاری کند و از رقابت میان قدرت‌های بزرگ برای توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی بهره ببرد. از سوی دیگر کشورهای حوزه خزر عمدتاً تولیدکننده مواد خام و از جمله نفت و گاز هستند. ترکیه تلاش می‌کند با استفاده از ظرفیت تولید نفت خام و گاز طبیعی، حوزه خزر در مسیر شرق به غرب و البته از مسیر شمال به جنوب و اتصال کشورهای حوزه خلیج فارس به ترکیه، خود را تبدیل به دروازه انرژی اروپا کند.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

مالیات بر عایدی سرمایه؛ چالشی برای سرمایه‌گذاران و کسبه

گفت‌وگو با مسعود عرفی، عضو کمیسیون مالیاتی کانون وکلای دادگستری مرکز و نماینده کانون وکلای دادگستری در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی

آیا این مالیات به گذشته هم تسری پیدا می‌کند؟

اصل حقوقی مهم در اینجا «عطف به ماسبق نشدن قوانین مالیاتی» است. بنابراین به‌طور معمول، مالیات بر عایدی سرمایه نسبت به معاملات قبل از لازم‌الاجراشدن قانون قابل اعمال نیست. بااین‌حال، نکته مهم این است که در برخی نظام‌های مالیاتی، مبنای محاسبه می‌تواند تاریخ خرید گذشته باشد، بدون اینکه خود معامله گذشته مشمول مالیات جدید شود. بنابراین باید بین «اثر محاسباتی» و «اثر حقوقی گذشته‌نگر» تفکیک قائل شد.

مؤدیان چگونه باید خود را آماده کنند؟

توصیه اصلی این است که افراد از همین حالا به سمت «شفاف‌سازی اسناد مالی» حرکت کنند؛ ازجمله نگهداری دقیق اسناد خرید و فروش، ثبت رسمی معاملات، پرهیز از قراردادهای غیرشفاف و دستی و توجه به تاریخ دقیق تسلک و انتقال. در آینده، اثبات قیمت خرید اولیه نقش بسیار مهمی در تعیین مالیات خواهد داشت و نبود اسناد مالی می‌تواند منجر به محاسبه مالیات براساس برآوردهای پلایتر شود.

آیا راه‌های قانونی برای کاهش این مالیات وجود دارد؟

یابدقت‌کنیم که بین «اجتناب مالیاتی قانونی» و «فرار مالیاتی» تفاوت وجود دارد. در چارچوب قانونی، معمولاً راهکارهایی مانند نگهداری بلندمدت دارایی، استفاده از معافیت‌های قانونی و سرمایه‌گذاری مجدد در برخی موارد خاص می‌تواند موجب کاهش بار مالیاتی شود، اما هرگونه ساختاردهی صورتی معاملات و ابزار درآمدی باشد، یک ابزار تنظیم‌گری اقتصادی است.

آیا آیین مالیات، مالیات بر تورم نیست؟

این یکی از مهم‌ترین نقدهاست. منتقدان می‌گویند افزایش قیمت دارایی‌ها در بسیاری موارد ناشی از تورم عمومی اقتصاد است، نه سود واقعی سرمایه‌گذار؛ بنابراین اخذ مالیات از این افزایش، در واقع نوعی مالیات بر تورم محسوب می‌شود. از منظر حقوق مالیاتی باید گفت پاسخ این نقد در طراحی دقیق «محاسبه عایدی واقعی» نهفته است. اگر نظام مالیاتی بتواند اثر تورم را در محاسبه سود تعدیل کند، این اشکال تا حد زیادی رفع می‌شود، اما اگر چنین تعدیلی وجود نداشته باشد، این نقد از منظر عدالت مالیاتی کاملاً شایان تأمل و جدی است.



تغییر کند، یکی از نقاط حساس، این موضوع است که مرز بین «مصرف شخصی» و «سرمایه‌گذاری» چگونه تعریف شود.

نرخ مالیات چگونه تعیین می‌شود؟

در طرح‌های پیشنهادی، معمولاً نظام نرخ‌ها «پلکانی و پلایسته به مدت نگهداری دارایی» است. به این معنا که هرچه دارایی سریع‌تر فروخته شود، نرخ مالیات بالاتر است و هرچه مدت نگهداری طولانی‌تر باشد، نرخ کاهش پیدا می‌کند. هدف این ساختار، کاهش معاملات کوتاه‌مدت و سفته‌بازی است. برای مثال، ممکن است فروش در کمتر از یک سال مشمول نرخ بالاتر و فروش پس از چند سال مشمول نرخ پایین‌تر یا حتی معافیت شود. بنابراین با یک نرخ ثابت ساده مواجه نیستیم، بلکه با یک نظام تنظیمی رفتاری روبه‌رو هستیم.

تکلیف خانه‌اولی‌ها و فروش‌های ضروری چیست؟

یکی از اصول مهم در طراحی این نوع مالیات، پیش‌بینی معافیت برای «مصرف‌کنندگان واقعی» است. به همین دلیل معمولاً مواردی مانند اولین واحد مسکونی، انتقال به دلیل نیاز خانوادگی و فروش تجهیزات پزشکی (مانند درمان یا مهاجرت) در زمره معافیت‌ها یا نرخ‌های ترجیحی قرار می‌گیرند. بااین‌حال، چالش اصلی در اجراست؛ یعنی تشخیص اینکه یک معامله واقعا مصرفی است یا سرمایه‌ای. این نقطه‌ای است که احتمال اختلافات مالیاتی در آن بسیار بالاست.

آیا آیین مالیات باعث افزایش قیمت مسکن یا تورم می‌شود؟

این موضوع محل اختلاف جدی میان اقتصاددانان است. موافقان معتقدند این مالیات باعث کاهش تقاضای سفته‌بازانه و در نتیجه کنترل قیمت‌ها می‌شود، اما منتقدان می‌گویند ممکن است در کوتاه‌مدت باعث کاهش عرضه یا انتقال هزینه به مصرف‌کننده شود. از منظر حقوق مالیاتی، این قانون ذاتاً ابزار کنترل رفتار اقتصادی است، نه ابزار ایجاد درآمد صرف برای دولت. بنابراین اثر تورمی یا ضدتورمی آن وابسته به نحوه اجرا، نرخ‌ها و معافیت‌ها خواهد بود، نه صرف وجود قانون.

خبر

مداخله دولت در بازار ارز

بخش خصوصی

رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از مداخلات گسترده در حوزه تجارت خارجی و سیاست‌های ارزی، تأکید کرد ارز حاصل از صادرات بخش خصوصی متعلق به صاحبان آن است و هیچ نهادی، از جمله بانک مرکزی، حق دخالت در مالکیت یا تصاحب آن را ندارد. فرشیید شکرخدايي، رئيس کمیسیون سرمایه‌گذاری و تأمین مالی اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به شرایط اقتصادی کشور در سال‌های اخیر و شرایط جنگی اظهار کرد: عملکرد دولت و بخش خصوصی در دوره‌ای که کشور با تهدیدها و چالش‌های متعدد روبه‌رو بود، قابل توجه است. اگرچه در این مدت

افزایش قیمت قابل توجهی را شاهد بودیم، اما در کنار آن برخی تسهیلات نیز برای فعالان اقتصادی و حلقه‌های مختلف تجارت کشور فراهم شد. او گفت: متأسفانه بخش مهمی از این تسهیلات در پیچ‌وخم بوروکراسی اداری متوقف شد؛ به‌ویژه در حوزه صادرات و فرآیندهایی که باید در گمرک و سامانه‌های مرتبط انجام می‌شد. یکی از مهم‌ترین این مسائل، موضوع ثبت سفارش است که به اعتقاد من در اقتصادهای متعارف جهان جایگاهی ندارد و صرفاً در مقطعی برای مدیریت تخصیص ارز به وجود آمد. رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران افزود: امروز ثبت سفارش به لنگه تمام فرآیندهای تجاری تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که تقریباً همه سامانه‌ها و فرآیندهای اداری بر پایه شماره ثبت سفارش یا یکدیگر ارتباط دارند. این وضعیت نه‌تنها تجارت را تسهیل نمی‌کند، بلکه موجب افزایش بوروکراسی و کندی فعالان اقتصادی شده است. او با

انتقاد از نقش آفرینی گسترده بانک مرکزی در حوزه تجارت خارجی گفت: بانک مرکزی باید به مأموریت اصلی خود یعنی حفظ ارزش پول ملی بازگردد. اینکه این نهاد بخوهد بدانند چه کسی صادرکننده است و چه کسی واردکننده، اساساً ارتباطی با وظایف ذاتی آن ندارد. شکرخدايي تصريح کرد: در سال‌های اخير شاهد بوده‌ايم که اين نهاد تمايل فراوانی برای حضور در عرصه تجارت داشته و همین مسئله زمینه‌ساز بروز مشکلات متعدد شده است. گاهی اوقات اظهاراتی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه ارز متعلق به دولت است. چنین برداشتی نه مبنای شرعی دارد و نه مبنای قانونی. ارز حاصل از صادرات بخش خصوصی متعلق به صاحبان آن است و هیچ نهادی حق ندارد در مالکیت آن دخالت کند. رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران تأکید کرد: ارز حاصل از فروش نفت و منابع دولتی طبعاً در اختیار دولت قرار می‌گیرد، اما ارز بخش خصوصی متعلق به خود فعال اقتصادی است.

احترام به حقوق مالکیت یکی از پایه‌های اساسی هر نظام اقتصادی سالم محسوب می‌شود و نمی‌توان این اصل را نادیده گرفت. متأسفانه در سال‌های گذشته شاهد زیر پا گذاشته‌شدن مکرر اصول مالکیت بوده‌ایم. درحالی‌که هیچ فرد یا نهادی، حتی بانک مرکزی، حق تصاحب دارایی‌های بخش خصوصی را ندارد. شکرخدايي با اشاره به برخی سازوکارهای ایجادشده در حوزه ارز گفت: شکل‌گیری ساختارهایی مانند مرکز مبادله طلا و ارز محصول شرایط خاص دوران تحریم است. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان اساساً چنین ساختارهایی در بانک‌های مرکزی وجود ندارد و بانک‌های مرکزی بر مأموریت‌های اصلی خود متمرکز هستند.

یکی از ضرورت‌های امروز اقتصاد ایران، عقب‌نشینی بانک مرکزی از حوزه‌هایی است که خارج از وظایف ذاتی آن تعریف می‌شود. این موضوع نیازمند تصمیم‌گیری جدی در سطح سیاست‌گذاری اقتصادی کشور است. رئیس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران در ادامه با انتقاد از گسترش فساد اداری در برخی بخش‌های مرتبط با تجارت خارجی اظهار کرد: شواهد متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد در برخی حلقه‌های مرتبط با تجارت، از جمله فرآیندهای واردات، رتبه‌بندی‌ها و برخی سازوکارهای اداری، زمینه‌های فساد، رانت و امضاهای طلایی شکل گرفته است. او گفت: هرچند حذف ارز ترجیحی کام مهمی در مقابله با یکی از بزرگ‌ترین کانون‌های فساد اقتصادی بود، اما همچنان بدنه بوروکراتیک میانی در

بسیاری از بخش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در صدور مجوزها و تصمیم‌گیری‌ها دارد و این مسئله می‌تواند بستر ایجاد رانت و فساد را فراهم کند. فعالان اقتصادی انتظار دارند فرآیندهای تجارت خارجی اعم از صادرات و واردات با کمترین میزان مداخله، بوروکراسی و هزینه‌های غیرضروری انجام شود.